

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فلسفه و علل غیبت

غیبت حضرت مهدی علیه السلام رازی از رازهای خداوند

غیبت حضرت مهدی علیه السلام برای:

۱. حفظ جان آن حضرت؛
۲. امتحان و آزمایش انسان‌ها؛
۳. آزادی از بیعت دیگران؛
۴. تأدیب انسان‌ها.

پیش‌درآمد

بحث از چرایی‌ها و سبب‌های پنهان‌زیستی حضرت مهدی علیه السلام یکی از بحث‌هایی است که همواره مورد توجه علاقه‌مندان به مباحث مهدویت بوده است.^۱ اما آنچه پیش از آن می‌بایست مورد نظر قرار گیرد، این که فلسفه و علل غیبت امام فرع بر پذیرش امامت ایشان است؛ بنابراین، این بحث، فقط برای کسانی به طور کامل مفید خواهد بود که اصل امامت آن امام همام را پذیرفته باشند؛ همان‌گونه که امامت ایشان نیز فرع بر وجود آن حضرت است و کسی که اعتقاد به زنده بودن ایشان نداشته باشد، سخن از امامت برای وی بی‌حاصل و اتلاف وقت به شمار می‌آید.

اما افرادی که هم به امامت آن حضرت باورمند هستند و هم به زنده بودن او، بررسی فلسفه و علل غیبت می‌تواند باور ایشان را درباره حضرت مهدی علیه السلام استوارتر کند. اگر چه آن‌ها برابر اراده الهی در پنهان‌زیستی حضرت مهدی علیه السلام به طور کامل تسلیم بوده، معتقدند تمام کارهای خداوند از روی حکمت است.

همان‌گونه که پیش از این نیز یاد شد، پنهان‌زیستی آخرین حجّت الهی، حضرت

۱. البته توجه به این نکته ضروری است که دانش دقیق و تفصیلی درباره این چرایی‌ها و سبب‌ها، اگر چه می‌تواند در باور به مهدویت مؤثر باشد، بدان معنا نیست که ندانستن آن خللی در این باور ایجاد نماید؛ از این رو، آگاهی اجمالی به آن نیز کافی است.

مهدی علیه السلام - با ویژگی‌های خاص خود^۱ - پدیده‌ای است که هرگز در طول تاریخ رخ نداده و طبیعی است که ذهن جست‌وجو گر انسان، همواره این پرسش را مطرح کند که چرا چنین رخدادی پدید آمده است؟

در پاسخ به این پرسش که از همان ابتدای مطرح شدن مهدویت از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره مورد توجه بوده است، به برخی از حکمت‌ها و علت‌های این رویداد، با بهره‌برداری از کلام معصومان علیهم السلام اشاره می‌شود.

غیبت حضرت مهدی علیه السلام؛ رازی از رازهای خداوند

پیش از آن که به برخی حکمت‌ها و علت‌های ظاهری غیبت آن حضرت اشاره شود، لازم به یادآوری است در بررسی‌های که روی روایات انجام شده است، نخستین نکته‌ای که در این باره به چشم می‌خورد، این است که، پنهان‌زیستی آخرین ذخیره الهی، به طور قطع از اسرار خداوند است.

حقیقت سرّ بودن این امر را رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین بیان فرموده است:

يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ عَلِمَهُ مَطْوِيٌّ
عَنْ عِبَادِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَ الشُّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشُّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفْرٌ^۲

ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوندی و سِرّی است از سِرّ خدا که بر بندگان او پوشیده است؛ پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک درباره خدا کفر است.

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

برای صاحب الامر، ناگزیر، غیبتی است که هر باطل‌جویی در آن به شک می‌افتد.

۱. در بحث چگونگی غیبت به صورت مفصل بدان پرداخته شد. از جمله می‌توان به روایاتی اشاره کرد که سخن از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت به میان آورده است؛ در حالی که این نحوه ناپیدایی، آن هم طولانی مدت، برای پیامبران ذکر نشده است. البته دیدگاه ناشناسی برای برخی از پیامبران نقل شده است.
ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷.

گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟

فرمود:

به سبب امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم.... ای پسر فضل! این امر، امری از امرهای الهی و رازی از رازهای خدا و غیبی از غیب‌های پروردگار است و زمانی که می‌دانیم خداوند بزرگ مرتبه حکیم است، تصدیق می‌کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است؛ گرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد.^۱

احمد بن اسحاق، نیز گوید: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. آن حضرت سخن آغاز کرد و فرمود:

...يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ...^۲

ای احمد بن اسحاق! این، امری از امر الهی و سری از سر ربوبی و غیبی از غیب پروردگار است....

بی‌گمان این حکمت، اساسی‌ترین دلیل بر این رخداد بزرگ است؛ اما از آن‌جا که برخی شیعیان، همواره این پرسش را مطرح می‌کردند، در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام به برخی حکمت‌های ظاهری غیبت آن حضرت نیز اشاره شده است؛ از این رو بدان‌ها نیز اشاره‌ای گذرا می‌کنیم.

۱. برای حفظ جان آن حضرت

یکی از اموری که از نظر عقل و شرع بر همه انسان‌ها واجب است، دوری جستن از ضررها و حفظ خویشتن از نابودی است، مگر در مواردی که پروردگار متعال اجازه فرموده است؛ مانند جهاد در راه خداوند.

در بررسی روایات مربوط به غیبت حضرت مهدی علیه السلام در می‌یابیم یکی از

۱. همان، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

۲. همان، باب ۳۸، ح ۱.

حکمت‌های ظاهری پنهان‌زیستی حضرت مهدی علیه السلام امان ماندن حضرت مهدی علیه السلام از گزند بدخواهان و ستمگران است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ "وَأَوْمَأُ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ"؛^۱

همانا برای قائم، پیش از آن‌که قیام فرماید، غیبتی است؛ چرا که در هراس است. [و حضرت اشاره به شکم خود کرد؛ یعنی بیم کشته‌شدن دارد.]

شیخ طوسی در کتاب الغیبه، ابتدای فصل پنجم، - بدون اشاره به حکمت نخست - چنین نوشته است:

هیچ علتی جز بیم حضرت از کشته شدن خویش، مانع ظهور وی نیست. اگر این‌گونه نباشد، پنهان‌بودن در پس پرده غیبت برایش روا نخواهد بود. آن محبوب دل‌ها دشواری‌ها و آزار و اذیت را تحمل می‌کند؛ زیرا مقام و جایگاه والای امامان و پیامبران علیهم السلام به سبب تحمل رنج و دشواری‌های بزرگ آنان در راه خدا بوده است.

البته این نه بدان معنا است که آن حضرت، از شهادت و کشته‌شدن در راه خدا هراس دارد؛ بلکه آن حضرت، چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمام ادیان وعده داده شده است، فقط به دست او تحقق می‌یابد؛ بنابراین بر خداوند است که به هر وسیله ممکن، او را تا روز موعود حفاظت نماید و حکمت الهی نیز بر پنهان‌زیستی او تعلق گرفته است.

البته شبیه این پنهان‌زیستی با ویژگی‌های خاص خود درباره برخی از پیامبران - هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند - اتفاق افتاده بود که می‌توان به پنهان‌شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب علیه السلام و نیز در غار حرا در برخی زمان‌ها اشاره کرد. می‌دانیم هیچ دلیلی برای چنین پنهان‌شدنی نبود، مگر ترس از ضررهایی که آن حضرت را تهدید می‌کرد.

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲.

شیخ مفید در این باره با اشاره به هر دو حکمت پیشین نوشته است:

وجه استتار آن حضرت، دشمنان فراوان و یاران اندک است و ممکن است به دلیل مصلحت پنهانی باشد که فقط خداوند از آن آگاه است.^۱

در برخی روایات اشاره شده است که خود آن حضرت، از این حکمت غیبت حفظ جان خویش^۲، پس از ظهور سخن به میان خواهد آورد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۳

آن گاه که قائم قیام فرماید، این آیه را تلاوت خواهد کرد: «و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد».^۳

این آیه، سخن حضرت موسی علیه السلام را نقل می کند. در روایاتی نیز غیبت حضرت مهدی علیه السلام به غیبت حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

۲. برای امتحان و آزمایش انسان ها

بدون تردید، یکی از سنت های خداوند، آزمایش انسان ها و گزینش انسان های موفق است؛ از این رو صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است، تا انسان ها در پرتو باورهای صحیح، انجام دستورهای الهی و شکیبایی در برابر ناملایمات، تربیت یافته و به کمال برسند.

یکی دیگر از حکمت های غیبت حضرت مهدی علیه السلام آزمایش مردم است. از آن جا که این نوع آزمایش، به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت فرسا است، در تکامل روحی انسان ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. با این آزمایش است که آشکار می شود چه کسی ثابت قدم و استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد سست و مردد است.

۱. شیخ مفید، النکت الاعتقادیة، ص ۴۵.

۲. شعراء (۲۶): ۲۱.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۷۴، ح ۱۱.

جابر جعفی می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم فرج شما چه هنگام خواهد بود؟
حضرت فرمود:

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا
حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدْرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ!

هیئات، هیئات [و سه بار تکرار کرد] فرج ما فرا نمی رسد تا زمانی که شما
غربال شوید، تا خداوند ناخالصی ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال
است باقی نهد.

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگاه پنجمین پیشوا از سلاله هفتمین پیشوا ناپدید شود، پس خدا را خدا را
مواظب باشید! در حفظ دین و آیین خود. در نظر داشته باشید، هیچ کس شما
را از دینتان جدا نسازد. فرزندم صاحب الأمر، ناگزیر دارای غیبتی خواهد بود،
تا کسی که به این امر قائل است از آن باز گردد. همانا آن، آزمایشی از جانب
خدا است که خداوند خلق خود را به آن وسیله می آزماید.^۱

روشن است کسانی در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود که دارای مرتبت والایی
از ایمان و عمل صالح باشند و کسانی که در این امور دچار کاستی باشند، بیشتر دچار
لغزش و سقوط خواهند شد.

امام صادق علیه السلام تبلور این حقیقت را چنین بیان کرده است:

واین گونه است که غیبت قائم طولانی خواهد بود، تا این که حق محض
آشکار شود و ایمان از کدورت ها و پیرایه ها صاف و زلال گردد. این آشکار
شدن، با بازگشت افرادی صورت می پذیرد که دارای طینت ناپاکی هستند از
پیروان ظاهری اهل بیت علیهم السلام؛ یعنی همان ها که ترس نفاق بر آن ها می رود.^۲

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۳۳۹.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۷۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵.

از مجموع سخنان معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید که مهم‌ترین ویژگی مرتبط با امتحان و آزمایش انسان‌ها در این دوران، گریز آن‌ها از دین و آموزه‌های آن و به اوج رسیدن دنیا پرستی است^۱ که آن را از دوره‌های دیگر متمایز نموده است.

معصومان علیهم‌السلام برای این دوران، پس از بیان برخی ویژگی‌ها، هشدارهایی را نیز داده‌اند، که با توجه به آن‌ها درمی‌یابیم آزمایش‌های بزرگ از مهمترین ویژگی این دوران است.^۲ افرادی که با ویژگی‌های این دوران، ایمان خود را به خوبی حفظ کرده، پروای الهی داشته باشند، ارزش والایی دارند. در این باره وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از چهره‌های پیروز این دوران یاد می‌کند، با شگفتی به حضرت علی علیه‌السلام چنین می‌فرماید:

يا عَلَى أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ...؛

ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، کسانی هستند که در پایان دوران - با آن که پیامبر خود را درک نکرده‌اند و از امام خود در پرده‌اند - به نوشته‌ای سیاه بر صفحه‌ای سپید، ایمان می‌آورند.^۳

افسوس بر آنان که در این دوران، اسیر وسوسه‌های بی‌پایان شیطان و هواهای نفسانی شده، در دام تاریک نادانی و عصیان، زندگی می‌کنند.

۳. برای آزادی از بیعت دیگران

مضمون برخی روایات، این است که آن حضرت، با غیبت خود، از بیعت با طاغوت‌های زمان در امان خواهد بود.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِلْحَدِّ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيَقِيبُ شَخْصَهُ؛^۴

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۶، ح ۴۷۶؛ ر.ک: شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۵۳.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵؛ و نیز: ر.ک: مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸.

۴. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ص ۴۲۶.

همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می‌کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش پنهان نگه داشته می‌شود و شخص او غایب است.

و نیز امام مجتبی علیه السلام - آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند - چنین فرمود:

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست، مگر این که بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می‌گیرد؛ جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌گزارد. پس به درستی که خداوند - تبارک و تعالی - ولادتش را پنهان و شخصش را مخفی می‌سازد، تا آن‌گاه که قیام می‌کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.^۱

حضرت مهدی علیه السلام در توفیقی در پاسخ به برخی پرسش‌ها می‌فرماید:

درباره علت غیبت پرسش کرده بودید؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی پرسش نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می‌شوید»^۲ بدانید که هرکدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من هنگامی قیام می‌کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت‌های زمان را بر گردن ندارم.^۳

به نظر می‌رسد سه علت یاد شده را می‌توان زیر یک عنوان جمع کرد و آن نبود یاران کافی برای یاری آن حضرت در اجرایی کردن اهداف او دانست.

۴. برای تأدیب انسان‌ها

ادب کردن انسان‌ها به ویژه مسلمان‌ها یکی دیگر از فلسفه‌های غیبت است؛ چرا که بیشتر آن‌ها در زمان حیات و حضور امامان پیشین، آن‌گونه که شایسته بود از ایشان استفاده و حمایت نکردند. افزون بر آن، گاهی با برخوردهای ناشایسته خود باعث محروم شدن جامعه بشری از فیض آن‌ها شدند.

۱. همان، ص ۳۱۵؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. مائده (۵): ۱۰۱.

۳. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۰، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره فرمود:

...وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْطِي خَلْقَهُ مِنْهَا
بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ...^۱

آگاه باشید زمین از حجت الهی خالی نمی ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم
پیشگی و زیاده روی انسان ها، آنان را از وجود حجت خود محروم می کند.

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

...وَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلُكُمْ وَ اللَّهُ مَا يَسْتَوِي
اِخْتِلَافُ أَصْحَابِكِ وَ لِهَذَا أُسِرَّ عَلَى صَاحِبِكُمْ...^۲

شما مردمی هستید که با دل، ما را دوست می دارید؛ ولی عمل شما با این
محبت، ناسازگار است. به خدا سوگند! اختلاف اصحاب پدید نمی آید و به
همین دلیل صاحب شما از دست شما گرفته می شود....

بدین سان غیبت آخرین حجت خداوند نماد خشم خداوند بر زمینیان است که با
چراغ های هدایت به گونه ای ناشایست برخورد کردند.

امام باقر علیه السلام در نامه ای به "محمد بن فرج" چنین نوشت:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ^۳؛

در آن هنگام که خداوند بر بندگانش خشمگین شود، ما را از همسایگی آن هادور سازد.

افزون بر آنچه یاد شد، به مواردی همچون: تربیت انسان های مناسب برای قیام و
حکومت جهانی و ایجاد اشتیاق جهانی برای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز
اشاره شده است.

آشکار شدن فلسفه های اساسی غیبت پس از ظهور

با توجه به آن که روایات یاد شده فقط به برخی از حکمت های غیبت حضرت
مهدی علیه السلام اشاره کرده بود و در روایاتی نیز اساس حکمت غیبت آن حضرت، رازی از
رازهای خداوند دانسته شده و با توجه به این که عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام عصر

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۱، ح ۲.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۳. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳.

آشکار شدن حقایق است، از روایات استفاده می‌شود حکمت‌های اساسی غیبت آن حضرت، پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

... حکمت غیبت او، همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش

از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار شود؛ همچنان

که وجه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پا داشتن

دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود، تا آن که هنگام جدایی آن‌ها فرا رسید.^۱

بدین سان روشن است پرسش بیش از این، درباره فلسفه و علل غیبت، کاری غیر لازم است. به امید آن که در آن هنگامه آشکار شدن حقایق، توفیق حضور در محضر آن امام همام را داشته باشیم.



منابع برای پژوهش

۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۲. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، تهران، موسسه موعود، ۱۳۷۹ ش.
۳. الهامی، داود، آخرین امید، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ ش.
۴. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه: حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۳۷۹ ش.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.